

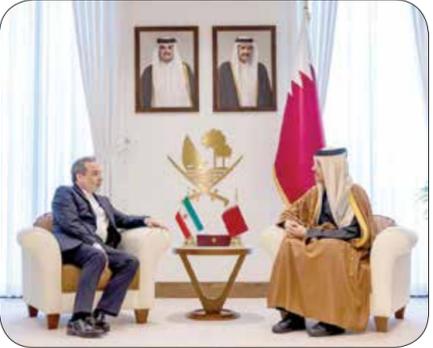
رویداد

دفاع عراقچی از طوفان‌الاقصی

وزیر امور خارجه ایران ضمن تبریک پیروزی ملت فلسطین در غزه گفت که عملیات طوفان اقصی در هفتم اکتبر (پانزدهم مهر ۱۴۰۲)، آرمان فلسطین را زنده کرد. سید عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران در گفت و گو با شبکه الجزیره که بخش‌هایی از آن منتشر شده است، اظهار داشت: تهران آماده کمک به مردم فلسطین در غزه است. ما پیروزی غزه و بازگرداندن اسرا را به مقاومت فلسطین تبریک می‌گوییم.وی تاکید کرد: هفتم اکتبر (عملیات طوفان اقصی) مساله و آرمان فلسطین را زنده کرد و این مساله به موضوع اول منطقه و جهان تبدیل شد.

عراقچی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه ایران از هر دولتی که ملت سوریه آن را تأیید کند، حمایت خواهد کرد، خاطر‌نشان کرد: ما از ثبات و وحدت اراضی سوریه حمایت می‌کنیم. هنوز جزئیات بیشتری از این مصاحبه منتشر نشده است.

قردرانی دوحه از نقش ویژه تهران در کمک به برقراری صلح



شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست‌ وزیر و وزیر خارجه قطر در دیدبار با وزیر خارجه نقش و جایگاه ویژه این منطقه و کمک به برقراری صلح و ثبات را ستود. «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه که به قطر سفر کرده بود، بعد از ظهر پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۳ با شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست وزیر و وزیر خارجه قطر دیدار و گفت وگو کرد.

در جریان دیدار طیفی از موضوعات مورد علاقه طرفین شامل توسعه روابط دولتی، تحولات منطقه به‌ویژه تحولات صحنه فلسطین پس از توافق آتش‌بس، شرایط سیاسی لبنان بعد از انتخاب رئیس جمهور و نخست وزیر این کشور و نقش مکرر توافق آتش‌بس از سوی رژیم صهیونیستی، تحولات سوریه و تأکید دو کشور بر حمایت از حاکمیت، ثبات و تمامیت سرزمینی این کشور مورد بحث و دیدال نظر قرار گرفت.

وزیر امور خارجه با اشاره به روابط بسیار خوب ایران و قطر، بر عزم دولت جمهوری اسلامی ایران برای توسعه مناسبات با این کشور در حوزه‌های مختلف تأکید کرد. وزیر امور خارجه کشورمان همچنین از نقش مثبت و سازنده قطر در کمک به حصول آتش‌بس در غزه و توقف نسل‌کشی و تقدیر وی با اشاره به یپاداری وصف‌ناپذیر ملت و مقاومت فلسطین در ایستادگی در برابر رژیم متجاوز صهیونیستی، بر ضرورت مراقبت نسبت به اجرای توافقی با توجه به سابقه نقض عهد و کارشکنی رژیم صهیونیستی تأکید کرد.

شیخ محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست وزیر قطر نیز با تأکید بر اهتمام کشورش برای توسعه روابط با ایران، نقش و جایگاه ویژه کشورمان در منطقه و کمک به برقراری صلح و ثبات را ستود.

در این دیدار همچنین طرفین برای ادامه رایزنی‌ها و مشورت‌های نزدیک تهران و دوحه در خصوص تحولات منطقه توافق کردند.

یادداشت

بدبینی به آتش‌بس غزه

ادامه از صفحه ۱

اسرائیل و متحدانش اهدافی فراتر و مهمتر از آزادی اسرا یا نابودی حماس دارند. هدف تغییرناپذیر صهیونیستها پاکسازی قومی و به حداقل رساندن جمعیت فلسطینیان به هر طریق ممکن از جمله اخراج و قتل‌عام آنها و غیرقابل سکونت کردن غزه، و سپس تغییر ژئوپولیتیکی و تسلط بر دیگر مناطق خاورمیانه و تحقق طرح اسرائیل بزرگ است. از این رو تحلیل و تفسیر هر گونه حادثه یا توافقی در سرزمین‌های اشغالی و نقاط پیرامونی بدون در نظر گرفتن این اهداف و دیگر اهداف اعلام‌نشده، ما را از درک واقعیات و برنامه ریزی و اقدام مناسب محروم می‌کند.

شواهد حاکی از آن است که جنایات اسرائیل در فلسطین و سایر نقاط خاورمیانه ادامه خواهد داشت، حتی اگر در ظاهر آتش‌بس رسمی برقرار باشد. به احتمال زیاد اسرائیل به بهانه‌های واہی به پورش و حملات محدود و هدفمند در غزه، کرانه باختری، لبنان، سوریه و حتی عراق و یمن و همچنین خرابکاری علیه ایران ادامه خواهد داد.

جنگ‌افزار متعارف انجام نمی‌شود. رژیم صهیونیستی و حامیان آن، به‌ویژه آمریکا و انگلیس، طوری برنامه ریزی و عمل کرده‌اند که بعد از توقف جنگ نیز نسل‌کشی در غزه به طور طبیعی و خودکار در راستای اهدافشان ادامه یابد. گرچه اخراج و قتل‌عام مردم فلسطین از آغاز اشغالگری و تشکیل کشور جعلی اسرائیل بی وقفه ادامه داشته است، اما‌های رسمی ارائه شده درباره جنایات صهیونیستی‌علیه فلسطینیان از زمان عملیات طوفان اقصی تاکنون وحشتناک است. بخش قابل توجه ای از غزه به طور عمد توسط رژیم صهیونیستی غیرقابل سکونت شده است؛ طبق گزارش سازمان ملل تاکنون حدود هفتاد درصد، و براساس گزارش رسمی مقامات غزه حدود هشتاد درصد، ساختمان‌ها و زیرساخت‌های غزه ویران گشته و آب و زمین اکثر مناطق این زندان باز به شدت آلوده شده است.

بیش از شصت هزار غیرنظامی شهید یا مفقود شده‌اند طوری که تعداد زیادی از مردم غزه تمام یا بیشتر اعضا خانواده خود را از دست داده‌اند (کارشناسان معتقدند تعداد واقعی شهید بسیار بالاتر از آمارهای رسمی است). علاوه بر شهیدا و مفقودین، که بیشتر زنان و کودکان هستند، تعداد کثیری نقص عضو یا به شدت مجروح شده‌اند و از زندگی عادی محرومند؛ بیش از نود درصد ساکنان غزه آواره شده‌اند؛ و قطعی، سوء تغذیه و بیماری‌های مسری به علت جنگ و محاصره طولانی و آوارگی مردم فلسطین شده است. به سرعت قربانی می‌گیرد. همچنین باید آسیب‌های روحی و روانی ناشی از وحشیگری‌های اشغالگران را در کنار موارد عدیده دیگر به درد و رنج مردم غزه، به‌ویژه کودکان بیگناه، اضافه کنیم.

وضعیت کرانه باختری، لبنان و سوریه نیز چندان بهتر از غزه نیست که شرح آن در این یادداشت کوتاه نمی‌گنجد.

و اگر ویرانی‌ها و آسیب دیدگان مستقیم و غیرمستقیم از دخالت نظامی و غیر نظامی نظام سلطه در عراق، یمن، افغانستان، لیبی و دیگر کشورها را در نظر بگیریم، بهتر به عمق جنایات و اهداف این دشمنان بشریت پی می‌بریم. آثار مخرب این جنایات رژیم صهیونیستی و حامیان آن در غزه و سایر نقاط خاورمیانه حداقل تا چند دهه آینده ماندگار خواهد بود و بر جسم و روح مردم ستمدیده این منطقه سنگینی خواهد کرد.

اکنون واضح است که تصمیم آمریکا و دیگر حامیان نزدیک رژیم صهیونیستی به آتش‌بس و موافقت اسرائیل با آن به هیچ وجه با هدف بشردوستانه نبوده است. از اظهارات مقامات غرب و تحرکات سیاسی نظامی اسرائیل و آمریکا و دیگر اعضا ناتو استنباط می‌شود که آنها بالاچارا با توقف جنگ رسمی در غزه موافقت کردند تا بتوانند به مسائل مهمتر از جمله کرانه باختری، ایران، چین و روسیه، و اهدافی‌سازری رابطه اسرائیل و اعراب (خصوصا عربستان سعودی) رسیدگی کنند و باز در آینده به نحو مقتضی به مسئله غزه بپردازند. از این‌رو ضرورت دارد که گروه‌های مقاومت، ملت‌ها و دولت‌های منطقه و صلح‌طلبان در دیگر نقاط جهان، ضمن به کارگیری تمام امکانات منطقه‌ای و فرماندهی‌های در جهت افزایش صلح و آرامش، با در نظر گرفتن واقعیات و اهداف اعلام شده و احتمالی اسرائیل و آمریکا و به طور کلی نظام سلطه، با آینده‌نگری برنامه‌ریزی کرده و برای پیشگیری از جنایت بیشتر توسط این دشمنان بشریت به موقع اقدام عملی مناسب کنند.

نشریه هیل نزدیک کنگره

آمریکا در مطلبی به قلم «رضا نصری» حقوقدان و تحلیلگر مسائل بین الملل نوشته است: با بازگشت دونالد ترامپ به ریاست جمهوری، سه تصور غلط بر گفتمان آمریکا حاکم شده است: اینکه ایران به دلیل شکست‌های حزب الله تضعیف شده، این که ایران نامید شده و به عنوان آخرین راه حل به دنبال سلاح هسته‌ای است و اینکه نظام سیاسی آن در آستانه فروپاشی است.

این ادعاها اغلب توسط منابع اسرائیلی که مدت‌هاست از رویارویی نظامی بین ایران و آمریکا حمایت می‌کنند شکل می‌گیرد، آنها واقعیت را تحریف می‌کنند که خطر هدایت دولت جدید آمریکا به اشتباهات خطرناک را به هم‌ساز دارد. این تصورات غلط می‌تواند باعث شود که سیاست گذاران آمریکا هزینه‌های واقعی جنگ را دست کم بگیرند، حس کاذب فوریت برای اقدام پیشگیرانه را تقویت کنند و انعطاف پذیری داخلی و ثبات سیاسی ایران را اشتباه قضاوت کنند و در نهایت سیاست‌های متمرکز بر تغییر نظام سیاسی مستقر را هدایت کنند.

متأسفانه، این روایت ناقص به پر سر و صداترین جنگ طلب‌ها در محافل سیاست خارجی آمریکا محدود نمی‌شود. ریچارد‌هاس در مقاله اخیر خود در فارین افرز با عنوان «فرضت ایران» ادعا می‌کند که ایران ضعیف تر و آسیب پذیرتر از دهه‌های گذشته است. به همین ترتیب، دنیس راس ادعا می‌کند که اسرائیل ۹۰ درصد از توانایی تولید موشک ایران را با حملات خود در اواخر اکتبر نابود کرده است. هر دو این افراد از این ادعاها استفاده می‌کنند تا بگویند اقدام نظامی علیه ایران گزینه مناسبی است.

حتی نگران کننده تر این است که مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا، دیدگاه‌های مشابهی را در جلسه تأیید خود تکرار می‌کند. روبیو ضمن تأکید بر شکاف بین مردم و حاکمیت در ایران، کاهش یارانه‌های انرژی ایران را به عنوان شاهی بر تضعیف ادعایی آن ذکر کرد. در حقیقت، بحث‌ها در مورد اصلاحات یارانه ای بیش از سه دهه است که ادامه داشته است و منعکس کننده برنامه ریزی اقتصادی بلندمدت است تا هر نشانه‌ای از شکنندگی سیاسی.

فقدان روابط دیپلماتیک رسمی بین واشنگتن و تهران این سوء تفاهرها را عمیق تر می‌کند. از سال ۱۹۸۰، ایران عمق نمایندگی مستقیم در ایالات متحده بوده است و برای وظایف محدود کنسولی به سفارت پاکستان متکی است. به همین ترتیب، نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در نیویورک تحت محدودیت‌های سختگیرانه عمل می‌کند، دیپلمات‌های

نشریه «هیل» بررسی کرد

تصورات غلط آمریکا درباره ایران



خود را محدود می‌کند و مانع تعامل با سیاست گذاران، رسانه‌ها و اتاق‌های فکر آمریکایی می‌شود.

برخلاف کشورهایی که سفارتخانه‌ها و شبکه‌های لابی در واشنگتن دارند، ایران قادر به مقابله موثر با اطلاعات نادرست یا ارائه دیدگاه‌های خود نیست که این شرایط را سخت‌تر می‌کند. محققان و تحلیلگرانی که از دیپلماسی تا رویکردهای ظریف در روابط ایالات متحده و ایران حمایت می‌کنند، اغلب با مخالفت گروه‌های مخالف در خارج از کشور مواجه می‌شوند. این گروه‌ها که به شدت با جمهوری اسلامی مخالف هستند.

سیاست گذارانی که سیاست ایالات متحده در قبال ایران را تدوین می‌کنند، باید به این دیدگاه اشتباه توجه کنند. برخلاف ادعاهای موجود، ایران همچنان یک بازیگر قدرتمند با قابلیت‌های دفاعی قوی و اهرم‌های ژئوپلیتیکی قابل توجه است. تاب آوری ایران با نزدیک به ۹۰ میلیون نفر، فناوری پیشرفته نظامی و کنترل بر گلوگاه‌های استراتژیک حیاتی، در قدرت جمعیتی، جغرافیای استراتژیک و زیرساخت‌های دفاعی متکی به خود استوار است.

در واقع، توانایی‌های دفاعی و بازدارندگی ایران هرگز به به اتحادهای منطقه‌ای یا بازیگران غیردولتی مانند حزب الله وابسته نبوده است. موقعیت ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای مجهز به مجموعه کاملی از ابزارهایی که مورد نیاز یک کشور مستقل، هر گونه درگیری را به یک خطر جدی تبدیل می‌کند. جنگ، ثبات منطقه ای را تهدید می‌کند و پیامدهای اقتصادی جهانی را به دنبال خواهد داشت. ایران، به عنوان کشوری باستانی با سابقه در عیون



عهده دارد منتشر شده، فردی که از زمان رونالد ریگان پست‌های مهمی در سیاست خارجی همه دولت‌های جمهوری خواه داشته است. از جمله پست‌های او می‌توان به فرستاده ویژه برای ونزوئلا و بعدا برای ایران در دوره اول ترامپ اشاره کرد. پیش از این مقدمه‌یز بخش ایران این گزارش در گروه سیاست خارجی ایرنا منتشر شده است. لازم به ذکر است که ترجمه این گزارش به معنای تأیید محتوای آن نیست و با توجه به تلاش گروه‌های مختلف فکری در واشنگتن برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی دولت جدید ترامپ منتشر کرده که تقریبا همه آنها دیدگاهی هستند که بنیامین نتانیاهو،نخست وزیر اسرائیل و حزب لیکود با خوشحالی از آن استقبال خواهند کرد. این گزارش ۱۵ صفحه‌ای با عنوان «معاملات قرن، حل مسأله خاورمیانه» توسط اندیشکده «اتلاف وندنبرگ» که لیبوت ابرامز ریاست آن را بر

تغییرات ژئوپلیتیکی و فشارهای خارجی، انعطاف پذیری فوق العاده ای از خود نشان داده است. در طول چهار دهه گذشته، این کشور با مجموعه ای از تهدیدها و چالش‌ها هشت ساله با عراق، عملیات‌های مخفیانه مواجه شده است، از جمله حضور پایدار نیروهای نظامی ایالات متحده در خلیج فارس. این کشور آزمایش‌های هسته‌ای مانند جنگ تصورات غلط، اطلاعات نادرست و تجزیه و تحلیل بیش از حد ساده هدایت می‌شود، به عنوان یک هشدار آشکار در برابر تکرار «فشار حداکثری» دولت ترامپ را پشت سر گذاشته است. در پاسخ به حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، ایران تلاش‌های دفاعی خود را تشدید کرد و سرمایه گذاری زیادی در سیستم‌های موشکی پیشرفته، پهپادها و زیرساخت‌های مستحکم انجام داد. این تجربیات توانایی ایران را برای حفاظت از حاکمیت خود و انطباق با شرایط خصمانه تقویت کرده است. ایران ۱۶ میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد، که ۱۳ کشور هم مرز است و دسترسی به تنگه هرمز را کنترل می‌کند؛ گلوگاهی که نزدیک به ۲۰ درصد از عرضه نفت جهان از آن عبور می‌کند. برای ایمن سازی این آبراه حیاتی، تهران شبکه پیچیده ای از سامانه‌های دریایی، موشکی و پدافند هوایی را توسعه داده است.

علیرغم ادعاهای گروه‌های اپوزیسیون در خارج از کشور که یادآور تاکتیک‌هایی است که چهره‌هایی مانند احمد چلبی بود که حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ را کار گفیله بودند، مردم ایران برای دفاع از حاکمیت خود در مواجهه با تهدیدات خارجی متحد شده اند. این انسجام جمعی، که ناشی از حس غرور و انعطاف پذیری مشترک است، توانایی ایران را برای بازدارندگی از تهاجم و

مقاومت در برابر فشارهای خارجی تقویت می‌کند.

در حالی که دولت ترامپ خود را برای تعریف سیاست خود در قبال ایران آماده می‌کند، باید از درس‌های پرهزینه تاریخ درس بگیرد و از اشتباهات بزرگی که منجر به حمله به عراق شد، اجتناب کند. این تصمیم، که توسط شبکه ای از تصورات غلط، اطلاعات نادرست و تجزیه و تحلیل بیش از حد ساده هدایت می‌شود، به عنوان یک هشدار آشکار در برابر تکرار «فشار حداکثری» دولت ترامپ را پشت سر گذاشته است. در آستانه فروپاشی به تصویر می‌کشند، نه تنها گمراه کننده است، بلکه خطرناک است و واقعیت انعطاف پذیری، نفوذ استراتژیک و اهمیت ژئوپلیتیکی آن را تحریف می‌کند. حمله به عراق، بر اساس فرضیات نادرست در مورد سلاح‌های کشتار جمعی، سادگی تغییر رژیم و چشم انداز یک جانشین باثبات و دموکراتیک، یک اشتباه استراتژیک بود که منجر به رنج عظیم انسانی، هرج و مرج و منطقه‌ای و پیامدهای پایدار جهانی شد. سیاست گذاران باید از تکرار همان اعتماد به نفس بیش از حد و تفکر تقلیل دهنده دوری کنند. دولت آمریکا باید رویکردی متفکرانه تر و دقیق تر را در پیش بگیرد و اهمیت دیپلماسی و گفتگو را به رسمیت بشناسد. دولت ترامپ باید در برابر وسوسه دنبال کردن رویارویی مبتنی بر افسانه‌ها و غیرنظامی فعالیت‌های فضایی سامان داند که عملی به تغییر رژیم در ایران مقاومت کند. در صورتی که به دنبال سیاستی باشد که مبتنی بر واقع گرایی، احتیاط و تعهد واقعی به حل و فصل مسألمت آمیز باشد. تنها با این عیور می‌تواند از مشکلات گذشته دور شود و به یک خاورمیانه با ثبات تر و امن تر کمک کند.

پایگاه تحلیلی «ریسپانسبل استیکرفت» بررسی کرد

مانیفست نومحافظه کاران علیه تهران

و سنگ بنای آمریکا در منطقه توصیف می‌کند که واشنگتن باید تمام سلاح‌های مورد نیاز آن برای کمک به پیروزی در جنگ و جلوگیری از تشدید تنش گسترده‌تر را در اختیار اسرائیل قرار دهد. این توصیه‌ها همچنین از واشنگتن می‌خواهد که حضور نظامی خود در عراق و سوریه را حفظ کند، همه کمک‌ها به نیروهای مسلح لبنان را به حالت تعلیق درآورد، تا زمانی که این کشور تمایل خود را برای مخالفت با حزب الله تسریع خرید تسلیحات آمریکا و گسترش همکاری‌های اطلاعاتی با اسارات متحده عربی نشان دهد. این گزارش همچنین از دولت آمریکا می‌خواهد همکاری نظامی و امنیتی با عربستان سعودود را مشروط بر اینکه از چین و روسیه دور شود، تقویت کند. این گزارش همچنین از سعودوی‌ها می‌خواهد که تعهدات سرمایه گذاری مستقیم خارجی خود را در صنایع آمریکایی افزایش دهند و بیابانه‌های عمومی انتقاد از اسرائیل و حمایت از ایران را متوقف کنند. این گزارش اصرار دارد که همکاری با عربستان سعودی باید منوط به این باشد که آنها در مورد اینکه در چه جنبه‌ای قرار دارند، صریح باشند.

سر‌دبیران پایگاه تحلیلی «ریسپانسبل استیتکرفت» در تحلیل این گزارش می‌نویسد:اتلاف وندنبرگ که اندکی پس از روی کار آمدن باینن در دولت قبل ایجاد شد به عنوان یک پروژه به روز، برای قرن جدید آمریکا عمل کرده است. سازمانی که به عنوان مرکز و بستری برای نومحافظه کاران طرفدار لیکود، ملی گرایان تندرو و راست مسیحی در بسیج حمایت عمومی از جنگ جهانی علیه تروریسم، حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ و دور شدن از راه حل دو دولتی برای مناقشه اسرائیل و فلسطین عمل می‌کرد، به ویژه در دولت جورج دبلیو بوش که در آن ابرامز به عنوان دستیار ویژه رئیس جمهور و مدیر ارشد بخش «امور خاور نزدیک و شمال آفریقا» خدمت می‌کرد و از پاکسازی‌های نومحافظه کاران برجسته در آن دولت پس از اشغال عراق جان سالم به در برد.

این گزارش به طور قابل پیش بینی از دولت جدید می‌خواهد که از همه عناصر قدرت ملی آمریکا استفاده کند تا دستیابی ایران به عنوان آنچه بزرگترین تهدید برای منافع آمریکا در خاورمیانه و عامل بیشتر مشکلات امنیتی منطقه می‌خواند، جلوگیری کند. این مطلب اسرائیل را به عنوان متحد

«شورای سیاست خاورمیانه» برسی کرد

تلاشی برای ترویج نظم جهانی چندقطبی

و تحولات در سوریه و خاورمیانه مهمترین دلایل برای این موضوع بوده است. در بخشی از این تحلیل درباره مفاد توافقنامه جامع راهبردی آمده است: روسیه و ایران متعهد شدند که در استراتژی‌های محلی و جهانی خود هماهنگی نزدیک‌تر و در زمینه‌های دفاعی، اطلاعاتی، مبارزه با تروریسم، تجارت، انرژی، مالی و سایر حوزه‌های اقتصادی همکاری بیشتری داشته باشند.

در ادامه تحلیل اندیشکده آمریکایی شورای سیاست خاورمیانه (The Middle East Policy Council) آمده است: در توافقنامه یادشده بارها بر ترویج نظم جهانی چندقطبی تأکید شده است، زیرا ایران و روسیه در تلاشند تا هژمونی آمریکا را به چالش بکشند و در برابر منافع غرب در خاورمیانه منطقه می‌خواند، جلوگیری از مشکلات امنیتی منطقه می‌خواند، جلوگیری از اثرات اقتصادی توافق

نگاره

ژئوپلیتیک فضا

«علیرضا مکی» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد: اول ژانویه دونالد ترامپ، رئیس جمهوری منتخب ایالات متحده با انجام مراسم تحلیف به عنوان چهل و هفتمین رئیس جمهوری ایالات متحده، سوگند یاد کرد و در دفتر بیضی کاخ سفید وارد شد. وی در سخنرانی مراسم تحلیف قول‌های بسیاری داد و تهدیدات بسیاری را مطرح کرد. قول و فرآبراهی که بیشتر آن‌ها جنبه داخلی داشت و کمتر به موضوعات سیاست خارجی می‌پرداخت. اما در این میان یکی از مسأله‌ای که به صورت بسیار زودگذر در این مراسم مطرح کرد بحث فضا و سفر انسان به مریخ بود. برای بررسی این موضوع باید نگاهی کوتاه داشت به سابقه رقابت‌ها و همکاری‌های بین مللی فضایی که از زمان جنگ سرد شروع شده است.

با پیروزی روس‌ها در فرستادن اولین ماهواره به مدار زمین موسوم به اسپوتنیک در سسل ۱۹۵۸ ترس فراوانی غنرب را در بر گرفت. در این زمان بود که جان اف کندی با درک عقب ماندگی غرب و به طور مشخص آمریکا در این رقابت نفس گیر فضایی در کوران جنگ سرد قول داد که آمریکا انسان را به ماه خواهد برد. ماوریتی که نه تنها جنبه بسیار نمادینی در قلب رقابت روایت‌هادر جنگ سرد داشت بلکه معانی استراتژیک فراوانی نیز در حوزه تکنولوژی‌های تسلیحاتی و غیر نظامی دارا بود. اما دست تقدیر این بود که این مهم نه توسط یک دولت دموکرات بلکه توسط رقیب جمهوری ایالات یعنی ریچارد نیکسون عملی شود و در سال ۱۹۶۹ آمریکایی‌ها تاج رقابت فضایی با شوروی را با سفر اپولو یازده به ماه بر سر بگذارند. گرچه روس‌ها در بسیاری از امتیازات مسابقه فضایی از آمریکایی‌ها جلوتر بودند.

با سفر آرم‌سترانگ و همراهانش به ماه سوت پایان مسابقه ای عظیم میان دو قدرت فضایی آن زمان به صدا در آمد و آمریکایی‌ها در نهایت با پشت سر گذاشتن روس‌ها در این زمینه موفق شدند خود را به عنوان برنده بدون منزاعه ایسن رقابت مطرح کنند. اما این پایان ماجرا نبود چرا که با شروع جنگ سرد روس‌ها برای شکست پروژه جنگ ستارگان نظامی خود را به فضا کشاندند. رقابتی عظیم که محصول نهایی آن پروژه جنگ ستارگان ریگان با به طور رسمی پروژه ابتکار دفاع استراتژیک ایالات متحده بود که در نتیجه آن روس‌ها به واگناری مسابقه ناچار شدند. در نهایت پروژه‌های ضد ماهواره ای روس‌ها برای شکست پروژه جنگ ستارگان ریگان مؤثر نبود و در نهایت در اثر هزینه‌های سنگین رقابت‌های تسلیحاتی و فضایی میان دو طرف شوروی از درون تهی شد و مسابقه کلی ژئوپلیتیک عصر را در رقیب آمریکا خود به پایان کرد.

با پایان جنگ سرد برای مدت‌ها به نظر می‌رسید رقابت‌های فضایی جای خود را به همکاری‌های فضایی برای بهبودقابلیت‌های زیست جمعی بشر از جمله سرمایه گذاری در پروژه‌های ارتباطات راه دور، تسهیل نقل و انتقالات امواج بی‌ساخته ماهواره‌ها و… داده است. اما کیست که نداند امروز روس‌ها به واگناری مسابقه ناچار شدند. در نهایت پروژه‌های ضد ماهواره ای روس‌ها برای شکست پروژه جنگ ستارگان ریگان مؤثر نبود و در نهایت در اثر هزینه‌های سنگین رقابت‌های تسلیحاتی و فضایی میان دو طرف شوروی از درون تهی شد و مسابقه کلی ژئوپلیتیک عصر را در رقیب آمریکا خود به پایان کرد. با پایان جنگ سرد برای مدت‌ها به نظر می‌رسید رقابت‌های فضایی جای خود را به همکاری‌های فضایی برای بهبودقابلیت‌های زیست جمعی بشر از جمله سرمایه گذاری در پروژه‌های ارتباطات راه دور، تسهیل نقل و انتقالات امواج بی‌ساخته ماهواره‌ها و… داده است. اما کیست که نداند امروز روس‌ها به واگناری مسابقه ناچار شدند. در نهایت پروژه‌های ضد ماهواره ای روس‌ها برای شکست پروژه جنگ ستارگان ریگان مؤثر نبود و در نهایت در اثر هزینه‌های سنگین رقابت‌های تسلیحاتی و فضایی میان دو طرف شوروی از درون تهی شد و مسابقه کلی ژئوپلیتیک عصر را در رقیب آمریکا خود به پایان کرد. با پایان جنگ سرد برای مدت‌ها به نظر می‌رسید رقابت‌های فضایی جای خود را به همکاری‌های فضایی برای بهبودقابلیت‌های زیست جمعی بشر از جمله سرمایه گذاری در پروژه‌های ارتباطات راه دور، تسهیل نقل و انتقالات امواج بی‌ساخته ماهواره‌ها و… داده است. اما کیست که نداند امروز روس‌ها به واگناری مسابقه ناچار شدند. در نهایت پروژه‌های ضد ماهواره ای روس‌ها برای شکست پروژه جنگ ستارگان ریگان مؤثر نبود و در نهایت در اثر هزینه‌های سنگین رقابت‌های تسلیحاتی و فضایی میان دو طرف شوروی از درون تهی شد و مسابقه کلی ژئوپلیتیک عصر را در رقیب آمریکا خود به پایان کرد. با پایان جنگ سرد برای مدت‌ها به نظر می‌رسید رقابت‌های فضایی جای خود را به همکاری‌های فضایی برای بهبودقابلیت‌های زیست جمعی بشر از جمله سرمایه گذاری در پروژه‌های ارتباطات راه دور، تسهیل نقل و انتقالات امواج بی‌ساخته ماهواره‌ها و… داده است. اما کیست که نداند امروز روس‌ها به واگناری مسابقه ناچار شدند. در نهایت پروژه‌های ضد ماهواره ای روس‌ها برای شکست پروژه جنگ ستارگان ریگان مؤثر نبود و در نهایت در اثر هزینه‌های سنگین رقابت‌های تسلیحاتی و فضایی میان دو طرف شوروی از درون تهی شد و مسابقه کلی ژئوپلیتیک عصر را در رقیب آمریکا خود به پایان کرد.

مسئولیت بین المللی در قبال حوادث فضایی ناشی از اشیای فضایی (۱۹۷۱)، معاهده تحریم تمام اشکال آزمایش تسلیحات هسته‌ای در اتمسفر، فضای ماورای جو و زیر آب معاهداتی که عدالت زیر نظر کمیته دائم سازمان ملل متحد برای استفاده صلح آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس) که در سال ۱۹۵۸ تشکیل شد به تصویب رسیده‌اند. معاهداتی نظیر معاهده اصول حاکم بر فعالیت‌های کاشف ماه و سایر کواوش و استفاده از فضای ماورای جو شامل ماه و سایر اجرام آسمانی (۱۹۶۶)، موافقت نامه حاکم بر فعالیت‌های کشورها در ماه و سایر اجرام آسمانی (۱۹۷۹)، کنوانسیون مسئولیت بین المللی در قبال حوادث فضایی ناشی از اشیای فضایی (۱۹۷۱)، معاهده تحریم تمام اشکال آزمایش تسلیحات هسته‌ای در اتمسفر، فضای ماورای جو و زیر آب (۱۹۶۳)، موافقت نامه همکاری در زمینه کواوش و استفاده از فضای ماورای جو برای اهداف صلح آمیز (۱۹۷۶) از جمله مهمترین این موافقت نامه‌ها بوده‌اند.

در طول سال‌های بعد از جنگ سرد روسیه و آمریکا همکاری‌های بین المللی را به منظور کمک به اهداف غیرنظامی فعالیت‌های فضایی سامان دادند که ایستگاه فضایی بین المللی از جمله مهم‌ترین نمادهای آن است. این همکاری تا آنجا محدودیت داشت که حتی در کوران تهاجم روسیه به اوکراین روسیه خدمات رسانی به فضانوران آمریکایی و اروپایی عازم ایستگاه را متوقف نکرد

این همکاری تا آنجا محدودیت داشت که حتی در کوران تهاجم روسیه به اوکراین روسیه خدمات رسانی به فضانوران آمریکایی و اروپایی عازم ایستگاه را متوقف نکرد

این همکاری تا آنجا محدودیت داشت که حتی در کوران تهاجم روسیه به اوکراین روسیه خدمات رسانی به فضانوران آمریکایی و اروپایی عازم ایستگاه را متوقف نکرد

این همکاری تا آنجا محدودیت داشت که حتی در کوران تهاجم روسیه به اوکراین روسیه خدمات رسانی به فضانوران آمریکایی و اروپایی عازم ایستگاه را متوقف نکرد

این همکاری تا آنجا محدودیت داشت که حتی در کوران تهاجم روسیه به اوکراین روسیه خدمات رسانی به فضانوران آمریکایی و اروپایی عازم ایستگاه را متوقف نکرد

این همکاری تا آنجا محدودیت داشت که حتی در کوران تهاجم روسیه به اوکراین روسیه خدمات رسانی به فضانوران آمریکایی و اروپایی عازم ایستگاه را متوقف نکرد